

جامعه‌شناسی کاربردی

سال بیست و پنجم، شماره پیاپی (۵۵)، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۹/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۴/۱۲

صص ۱۸۱-۱۹۶

بررسی وضعیت نوگرایی دینی در بین جوانان شهر یزد

عصمت صالحی، مربی گروه علوم اجتماعی دانشگاه یزد*

محمدهادی یاراحمدی، کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان

حسن زاده دهقان، رئیس دفتر تحقیقات کاربردی فرماندهی انتظامی استان یزد

چکیده

دینداری، جامعه امروزی در رویاروی اندیشه‌های مدرنیته و نوگرایی قرار گرفته؛ به نحوی که برخی از افراد مبانی مدرنیته مثل فردگرایی؛ عقل‌گرایی و تجربه‌گرایی را با اندیشه‌های دینی آمیخته و به نوعی از نظر دینی نوگرا شده‌اند و بعضاً با مسائل زیادی روبه‌رو هستند. مطالعه حاضر با هدف بررسی میزان نوگرایی دینی و شناسایی عوامل جمعیت‌شناختی مؤثر بر شکل‌گیری نوگرایی دینی در بین جوانان شهر یزد انجام شده است. این پژوهش با روش پیمایش انجام شده و داده‌های مطالعه از ۳۸۴ نفر در گروه سنی ۱۵ تا ۳۹ سال با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای گردآوری شد. ابزار سنجش متغیرها نیز، پرسشنامه محقق‌ساخته نوگرایی دینی بود. نتایج این پژوهش نشان داد که میزان نوگرایی دینی در بین جوانان یزد در حد متوسط رو به پایینی قرار دارد؛ و متغیرهای سن، جنس، امکانات رفاهی، تحصیلات و وضعیت شغلی از عوامل اثرگذار بر گرایش به نوگرایی دینی هستند. به عبارت دیگر، هرچه افراد جوانتر بوده، دارای تحصیلات بالاتر، مشاغل حرفه‌ای و از امکانات رفاهی بیشتری برخوردار باشند، از نظر گرایش به مبانی نوگرایی دینی مستعدتر بوده، گرایش بیشتری دارند. در جامعه ما نوگرایی دینی دچار بدفهمی شده و به نوعی با دین‌گریزی و شخصی‌نگری در دین‌قرین گشته است و دارای کج‌کارکرد است، از این رو، اقدامات مداخله‌ای (در راستای تفهیم مبانی دینی و اصول نوگرایی، و حتی‌المقدور تلفیق مبانی دینی با علم‌گرایی و عقلانیت دینی) در حوزه جوانان به شکل برنامه‌های آگاهی‌سازی ضروری است.

واژه‌های کلیدی: نوگرایی دینی، مدرنیته، جوانان، یزد

مقدمه

واژه مدرنیته که تجدد را معادل فارسی آن اختیار نموده‌اند، نخستین بار در سال ۱۸۶۳ توسط «بودلر» در معنای تخریب شکل‌های کلیشه‌ای که مانع تخول افکار و آداب هستند، به کار رفته است. به نظر هابرماس (۱۳۸۰)، واژه مدرنوس، ابتدا در اواخر قرن پنجم میلادی برای مجزا کردن عصر جاری مسیحی از عصر گذشته کفر (دوره رومی) به کار رفت. از همان زمان این اصطلاح محتوایی به خود گرفت که از جدا کردن دوره جدید و دوره قدیم به نحو دانسته حکایت می‌کرد. نوگرایی در قیاس با نوسازی که بیشتر فرآیندی عینی است، فرآیندی عمدتاً بینشی و ذهنی است. بر این مبناست که عنوان شده «مدرنیسم (نوگرایی)» نوعی ایدئولوژی است؛ نوعی اندیشه است که در پی جایگزین کردن مدرن به جای کهنه است و بر این اساس مدرن را بهتر از کهنه می‌داند» (سروش، ۱۳۷۸: ۳۵۲).

نوگرایی دارای مؤلفه‌های گوناگون در ابعاد مختلف جامعه است که نظریه‌پردازان مختلف هر کدام بر جنبه‌هایی از این فرآیند تأکید نموده‌اند. «کافی‌یر و ونسونو» در تعریف خود از نوگرایی، عناصر اصلی جامعه مدرن را فردگرایی (اصالت فرد)، عقلانیت و قراردادگرایی، عرفی‌شدن و تقدس‌زدایی از امور می‌دانند (تایپا، ۱۳۷۹: ۱۰۷). ماکس وبر نیز عقلانیت را عنصر اصلی جامعه مدرن می‌داند. به نظر باومن مدرنیته را باید عصری توصیف کرد که خصیصه بارز آن، دگرگونی است. این عصر همه دانسته‌ها و معتقدات خود را فرآیندی زودگذر می‌داند. مدرنیته عصری آگاه از گذشته تاریخی خویش است و نهادهای انسانی را ساخته خود آدمی و اصلاح‌پذیر می‌داند. این نهادها را تا هنگامی می‌توان نگاه داشت که در برابر خواسته‌های عاجل و دقیق عقل، توجیه‌پذیر باشد و اگر از این بوته آزمون سربلند بیرون نیاید، باید آن را دور انداخت (باومن، ۱۳۸۰: ۱۱؛ به نقل از غفاری و ابراهیمی، ۱۳۸۴).

بهنام (۱۳۸۲) معتقد است که بین سنت و تجدد پیوندهای ظریفی وجود دارد. به زعم وی «اصالت فرهنگی» را می‌توان حفظ کرد، درحالی که آسانتر می‌توان سنت‌ها را رها کرد. او هشدار می‌دهد هر نوع تجدد بیرونی اگر با خاطره‌ها و

تجربه‌های جمعی تلفیق نشود، ریشه‌کن خواهد شد. برخی نیز بر این نکته تأکید می‌ورزند که دوگانگی تجدد و سنت در ایدئولوژی مدرنیسم، بیشتر محصول تلاش برای تعریف و فهم خود بوده است تا آن که پیچیدگی‌های جامعه سنتی را شناسایی کند. از این رو، این گروه برآنند که به مسأله تنوع جوامع سنتی، تداخل سنت و تجدد، ظهور تجدد از درون سنت‌ها و نوسازی سنت، به گونه‌ای درخور پرداخته نشده است.

این حقیقتی است که تجدد طلبی نفی همه سنت‌ها نیست؛ هرچند بی‌شک بررسی نقادانه آنهاست. مدرنیته نقد نگرشی است که سنت را به ایدئولوژی بدل می‌سازد؛ نقد کرداری است که سنت‌ها را راهنما و الگوی زندگی روزمره فرد می‌نماید و با مشروعیت بخشیدن به آن، سنت‌ها را دائماً باز تولید می‌کند. اما آنچه مدرنیته را از سنت‌گرایی و زیست سنتی جدا می‌سازد، همان خصلت انتقادی مدرنیته و راززدایی آن از سنت به جای پیروی از آن است.

باقری بروجردی (۱۳۸۹) می‌گوید؛ مدرنیته‌ای که سن آن بیش از سه قرن است، پدیده‌ای نیست که بتوان به سادگی در مورد آن قضاوتی همه‌جانبه داشت؛ اما قدر مسلم این است که مدرنیسم، در طول تاریخ حیات خویش، دچار بحران‌ها و چالش‌های گوناگون شده است. از جمله، تکیه صرف بر عقل و دوری از احساس و ایمان، باعث سستی بنیان جوامع مدرن گردیده است.

نوگرایی در عرصه دین؛ فرایندی است که با اندیشه نوآوری و نوسازی، افسون‌زدایی از مراجع اقتداری چون سنت و مذهب، جایگزینی عقلانیت دنیوی به جای باورهای آسمانی در سر و سامان دادن به زندگی جاری، و تکیه بر علم و تکنولوژی به عنوان نیروی محرکه پیشرفت عجین شده است. گیدنز رویارویی با سنت را ذات مدرنیته می‌داند، زیرا در فرهنگ‌های سنتی، گذشته مورد احترام است و نهادها ارزش دارند؛ سنت‌گرایی واکنشی است دفاعی که آگاهانه با رجعت به سنت‌ها، در پی حل معضلاتی است که دنیای مدرن پیش روی قرار می‌دهد؛ حال آن که مدرنیته به افسون‌زدایی از آنها می‌پردازد (قاسمی و دیگران، ۱۳۸۹).

گیدنز در صحبت از مدرنیته معتقد است که "با حاکم شدن فرد بر سرنوشت خویش در مدرنیته، نقش روندهای قابل پیش‌بینی در زندگی افراد کاهش می‌یابند. علاوه بر آن، با هجوم اطلاعات روزافزون، حقایق جدیدی شکل می‌گیرند که موجب تردید در صحت قضاوت‌های پیشین می‌شوند. چنین تحولی فرد را با عدم اطمینان به «حقیقت» روبه‌رو می‌سازد که حاصل آن نوعی ناامنی روانی است. با وجود این، همین شکل‌گیری فردیت مستقل، خودمختار و امکان‌گزینه‌ش فعال و خودشناسی انتقادی است که به مدرنیته و انسان مدرن خصلتی پویا می‌بخشد."

نوگرایی، ابعاد گوناگون اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را در بر می‌گیرد. بعد فرهنگی نوگرایی (که نوگرایی دینی نیز در این دسته قرار می‌گیرد) سه عنصر انتقادگری (داشتن روحیه انتقادگری و انتقادپذیری در زمینه مسایل مختلف اجتماعی و سیاسی)، عرفی شدن باورها (کاهش تعصبات مذهبی و نشان دادن تسامح بیشتر نسبت به ادیان مختلف، توجه به کمال انسانیت افراد صرف نظر از نوع عقاید مذهبی آنها، تقدس‌زدایی از امور مختلف و تکثرگرایی در عقاید مذهبی) و علم‌گرایی (گسترش علوم جدید و جایگزینی بینش علمی به جای بینش‌های مبتنی بر عقاید خرافی و اسطوره‌های سنتی) را در بر می‌گیرد (قاسمی و دیگران، ۱۳۸۹). اما باید دید که واقعاً تعامل نوگرایی و دین در جامعه ما به چه نحوی رخ داده است. آیا مبانی دینی را فدای مواهب نوگرایی ساخته‌ایم یا فقط برخی از جنبه‌های مدرنیته را که با دین سازگاری دارد مانند عقل‌گرایی، با مبانی دینی درآمیخته‌ایم؟ در بحث نوگرایی دینی می‌توان چندین گروه را در جامعه مشاهده کرد: عده‌ای که بر باورهای سنتی خود پافشاری داشته، هیچ نوع نقد و نظری را در مباحث دینی نمی‌پذیرند، سنت‌گرایان دینی را تشکیل می‌دهند. اما در روند تاریخ و دگرگونی جامعه ما، وقوع انقلاب اسلامی و پس از آن روند روشنفکری... و شیوع نوگرایی و مدرنیته در ایران، ما با گروهی از نوگرایان مواجهیم که هم بر موازین سنتی دین پایبند بوده و هم مبانی نقدگرایی و علم‌گرایی مدرنیته را در دین می‌پذیرند. این گروه، دین و مبانی دینی را با نگرشی نو

می‌پذیرند. این وضعیت، وضعیتی است که جامعه ما نیز که جامعه‌ای در حال‌گذار از سنت به مدرنیته است نیز آن را می‌پذیرد، البته با نگاه به این مسأله از سوی دیگر نیز می‌توان تبیین نمود که، این همان علم‌گرایی و عقلانیت دینی است که در مبانی فرهنگ دینی ما و سیره ائمه نیز بارها به آن اشاره شده است، و حتی می‌توان این گروه را نیز در زمره سنت‌گرایان قرار داد؛ زیرا همان‌طور که در مباحث مختلف در بحث نوگرایی اشاره شده است، علم و تجربه‌گرایی و عقلانیت محض از مبانی ابتدایی نوگرایی بوده که با ظهور عقلانیت محض، سایر جنبه‌های مدرنیته نیز خود را آشکار ساخته و در وادی مدرنیته غربی گرفتار خواهیم شد. گروهی دیگر در جامعه هستند که نوگرایان افراطی را تشکیل می‌دهند. این گروه برآنند که تمامی مبانی دین و سنت‌ها را با تجربه شخصی، علم، فردگرایی و انسان‌مداری تبیین کنند و گاهی به سکولاریسم ختم می‌شوند. لذا نوگرایی در حوزه دین خالی از اشکال نبوده، چنانکه برخی تحقیقات (صالحی، ۱۳۸۹) نیز نشان داده، با آسیب‌های اجتماعی قرین شده است. فرهنگ غرب نظام ارزش‌ها و اخلاق بنیادی خود را بر انسان‌گرایی^۱، دنیاگرایی^۲ و لذت‌جویی^۳ بنیان نهاده، علوم و معارف بنیادی را براساس خردگرایی محض^۴ و عقل‌ابزاری تنظیم نموده، و فن‌آوری و مهارت‌ها را بر اصل عملگرایی^۵ و اصالت فایده^۶ قرار داده است (زاهد، ۱۳۸۴).

برخی از نظریه‌پردازان، از قرابت و نزدیکی دین با مدرنیته، با عنوان "عرفی شدن دین"، نام می‌برند؛ عرفی شدن در اولین گام، دین را از همه‌کارگی در حیات فردی و اجتماعی باز می‌دارد و جایگاه نهاد برتر را برای آن پیشنهاد می‌کند و در گام‌های بعدی غلبه نهادی آن را به زیر سؤال می‌برد و بر تمایز ساختی و استقلال نهادها تأکید می‌نماید و از این طریق، دیگر نهادهای اجتماعی را به خروج از سیطره هنجاری آن فرا می‌خواند. این روند تا تبدیل شدن دین به

¹ Humanism

² Secularism

³ Leisure Seeking

⁴ Rationalism

⁵ Pragmatism

⁶ Utilitarianism

برای افراد فراهم می‌کند، بلکه به عنوان یک عامل مهار اجتماعی نیز مطرح است (آمبرسون، ۱۹۸۷) و از آن جهت که چارچوبی برای حمایت اجتماعی از پیروان خود فراهم می‌کند، آنها کمتر دچار خلاف می‌شوند (گورساج، ۱۹۹۵).

باید اذعان داشت که تأثیر مدرنیته در دین را چطور تفسیر می‌کنیم. جلوه‌های مدرنیسم (نوگرایی) فرد را به فردگرایی، گسترش روابط آزاد، رفاه‌گرایی و سکولاریسم دعوت می‌کند. انسان امروزی، در بسیاری از جوامع مدرن، خود را پایبند مقدمات نمی‌داند، همه ارزش‌های انسانی را قراردادی می‌داند و در اندیشه‌های سیاسی و حقوقی خود، به جای توجه به فقه الهی و دغدغه تکلیف، به قراردادهای اجتماعی و مصالح و منافع مادی می‌اندیشد. مدرنیته دارای اصول و پایه‌هایی است که بیشتر بر فردگرایی، عقل‌گرایی، لیبرالیسم و انسان‌مداری تأکید دارد که این مسئله در نوع خود؛ باعث می‌شود که انسان نوگرا با تأکید بر شخصیت انسانی از امور فلسفی، برهانی و سنت‌ها و اعتقادات تهی گردد. قرابت دین با مدرنیته نزد نوگرایان افراطی در جامعه ما طبق نظریه لاکمن (۱۹۶۷)؛ برگر (۱۹۶۷) و دابلیو (۱۹۹۹)، به عرفی شدن دین بدل گشته است. به نوعی می‌توان گفت در جامعه ما در برخی موارد بیش از آنکه از عقل‌گرایی در عرصه دین استفاده شود، با تأکید بر فرد گرایی، آزادی گرایی و شخصی نگری در دین، به نوعی دین را از آرمان‌های اساسی‌اش جدا کرده‌ایم. این امر حقیقتی است که این مطالعه نیز بر آن صحنه می‌گذارد. نوگرایی در زمینه دین یا همان سنت‌گرایی با رویکرد علم‌گرایی و عقلانیت دینی که می‌تواند برای جامعه نیز کارکردی مثبت داشته باشد، آن است که مبانی دینی را با نگاهی نو (نگرشی علمی و انتقادی و نه صرفاً براساس فردگرایی، شخصی‌نگری، تجربه‌گرایی مدرنیسم و...) بپذیریم. این مطالعه نیز در پی تبیین وضعیت نوگرایی دینی در بین جوانان است.

اهداف و پرسش‌های پژوهش

اهداف پژوهش

- تبیین میزان نوگرایی دینی در بین جوانان شهر یزد

نهادی فرعی یا ترک موقعیت نهادی ادامه می‌یابد (لاکمن، ۱۹۶۷؛ برگر، ۱۹۶۷؛ دابلیو، ۱۹۹۹ به نقل از مجیدی، ۱۳۷۵). آخرین منزل برای دین در سرانجام این فرایند، بدل شدن آن به یک دلمشغولی شخصی در قالب «معنویت‌های زندگی» است.

از دیدگاه جامعه‌شناختی، دین به عنوان یک نهاد اجتماعی معرفی شده است. در واقع، در این دیدگاه به تأثیر بعد اجتماعی در پدیداری دین و بقای آن توجه بیشتری شده است. کنش اجتماعی دین به راهکارهایی که دین از طریق آن بر روابط انسانی و تمدن و فرهنگ بشری تأثیر می‌گذارد، اشاره دارد. انسان در راستای گرایش به زندگی جمعی، در پی حاکمیت معیارها و ضوابط خاصی برای حفظ نظم اجتماعی و هدایت و اعتلای جامعه به سوی آرامش و نیکبختی است. از این جهت، حاکمیت دین را به منزله حاکمیت مجموعه دستورها و قوانین لازم می‌دانند. علامه طباطبایی (۱۳۷۰) کارکرد اجتماعی دین را در حفظ نظم و بنیادهای جامعه می‌داند. آیا با قرابت دین با مدرنیته هنوز کارکردهای دین در جامعه مانند سابق عمل می‌کند؟ نوگرایان دینی چه نگرشی به این کارکردها دارند؟

کارکردهای دین بارها و بارها مورد بررسی و توجه همگان قرار گرفته است. یکی از مهمترین کارکردهای آن، حمایت اجتماعی است؛ در واقع، مذهب با ایجاد یک فضای حمایتی و "منبع وحدت‌یافتگی اجتماعی" برای فرد، بر سلامت او تأثیر بسزایی می‌گذارد. شرکت در مراسم مذهبی می‌تواند کنش حمایتگری اجتماعی مذهب را تقویت کند. در واقع مذهب با ایجاد تفاهم، وحدت و حمایت، اجتماعی از فرد بر میزان سازگاری، عزت‌نفس و خودباوری او که از عوامل مهم حیاتی در بهداشت روانی محسوب می‌شود، مؤثر است (خدایاری فرد و همکاران، ۱۳۷۸). همچنین، جامعه‌شناسان معمولاً دین را یکی از اساسی‌ترین وسایل کنترل اجتماعی درونی یا مهار جرم و خلافکاری می‌دانند (راس؛ نقل از کینگ، ۱۳۴۹). یکی دیگر از کارکردهای دین تقویت ارزش‌های اخلاقی است. به عبارت دیگر، مهار اجتماعی از کنش‌های اجتماعی دین است که کارکرد آن به دنبال حمایت اجتماعی دین از فرد مشخص می‌شود. مذهب نه تنها حمایت اجتماعی

- تبیین رابطه بین نوگرایی دینی و متغیرهای جمعیت‌شناختی در بین جوانان شهر یزد

سؤال‌های پژوهش

- میزان نوگرایی دینی در بین جوانان شهر یزد در چه وضعیتی قرار دارد؟
- بین میزان گرایش به نوگرایی دینی در بین جوانان شهر یزد و متغیرهای جمعیت‌شناختی چه رابطه‌ای وجود دارد؟

مبانی نظری

از منظر جامعه‌شناختی، دین به عنوان یک نهاد اجتماعی معرفی شده است. در واقع، در این دیدگاه به تأثیر بعد اجتماعی در پدیداری دین و بقای آن توجه بیشتری شده است. واضح است که بررسی‌های جامعه‌شناختی که در وهله اول بر روی جامعه انسانی و پدیده‌های متأثر از رفتارها و روابط انسانی انجام گرفته، دین را نیز به عنوان یکی از پدیده‌ها، محصول اجتماع بشری می‌داند. صرف نظر از تعریف جامعه‌شناختی از دین، برخی از نظریه‌پردازان بر کنش‌وری‌های اجتماعی دین و پژوهش‌های کاربردی مبتنی بر آثار و تبعات اجتماعی دین و دینداری معطوف شده‌اند، اما در خصوص ارتباط بین دین و نوگرایی نظریاتی ارائه شده است: برخی از نظریات به طور کلی ارتباط بین این دو مقوله را رد نموده، از تعارض ذاتی آن دو صحبت می‌نمایند؛ برخی دیگر از نظریات قائل به وجود ارتباطی دیالکتیک بین سنت-مذهب و مدرنیته هستند و معتقدند که نمی‌توان این مقولات را به طور کلی از یکدیگر تفکیک نموده، در مقابل یکدیگر قرار دهیم؛ اما برخی دیگر از پژوهشگران از جمله شجاعی‌زند (۱۳۸۵) معتقدند که امکان همزیستی این دو مقوله در صورتی امکان دارد که هر یک به نفع دیگری تا حدودی از پافشاری بر مقولات خود کوتاه بیایند. باید توجه داشت که اصولی که مدرنیته تبلیغ می‌کند، عبارتند از:

۱. تجربه‌گرایی: یعنی توجه و اهتمام ویژه به شیوه تجربه برای مطالعه و تحقیق در علوم طبیعی و انسانی، بدون توجه به

امور فلسفی و برهانی؛

۲. انسان‌مداری: یعنی اعتقاد به محوریت انسان در تمام عرصه‌ها؛

۳. عقل‌گرایی: به این معنا که عقل مستقل از وحی و آموزه‌های الهی توان اداره زندگی بشر را دارد و انسان با استفاده از عقل خود قادر است تمام مسائل را درک نموده، به حل آنها بپردازد؛

۴. لیبرالیسم: به معنای آزادی خواهی خارج از چهارچوب دین؛

۵. رفاه و زندگی شهری: یعنی بالا رفتن سطح زندگی مادی و رفاه و اشاعه فرهنگ شهرنشینی؛

۶. رشد فناوری: توجه به رشد بی‌سابقه فناوری در تولیدات صنعتی و بروز شیوه‌های نو در تولیدات صنعتی؛

۷. دمکراسی یا برابری؛ یعنی باور به اینکه همه انسان‌ها از هر نژاد و جنسیت و دین و مذهبی که باشند، از هر نظر مساویند؛

۸. سرمایه‌داری: توجه به نظام سرمایه‌داری و اقتصاد بازار آزاد؛

۹. فردگرایی: یعنی اصالت فرد و اعتقاد به تقدم فرد بر جامعه؛

۱۰. سکولاریسم: یعنی حاکمیت فرد علمی و غیردینی، به تبع آن منزوی شدن اقتدار دینی از عرصه‌های اجتماعی، به‌طور کلی شیوع یک فرهنگ مادی و این جهانی (احمدی، ۱۳۷۷).

مشخص است که تنها برخی از اصول مدرنیته با مبانی دینی قابل جمع است. مبانی دینی هیچ منافاتی با عقل‌گرایی، دموکراسی‌گرایی و حتی تجربه‌گرایی در خصوص پذیرش برخی از مفاهیم دینی ندارد، که همان‌طور که اشاره شد، علم‌گرایی و عقل‌گرایی خود از سنت‌گرایی و عقلانیت دینی بر می‌خیزد. اسلام خود از افراد می‌خواهد که در خصوص مبانی دینی تحقیق و بررسی کنند و با شناخت و بصیرت کامل بر موازین دینی خود استوار بمانند؛ اما اگر افراد بخوانند؛ همچون نوگرایان بر مبانی "فردگرایی، انسان‌مداری، رفاه‌گرایی و سکولاریسم" نوگرایی در مبانی دینی ابرام و پافشاری داشته باشند؛ به نوعی دچار همان عرفی شدن دینی

سنت‌ها و عادت‌های آبا و اجدادی) بوده است. پیشروان این تلقی از اسلام، متفکرانی چون سید جمال، محمد عبده، اقبال لاهوری و دکتر علی شریعتی بوده‌اند که با وجود تنوع افکارشان، دعای مهم آنان را می‌توان این گونه فهرست نمود: (باقری بروجردی، ۱۳۸۹)

۱. تکیه بر عقل در کنار کتاب و سنت و اعتقاد بر توانایی عقل؛
۲. تأکید بر روح اسلام و ژرف‌اندیشی در برابر سطحی‌نگری؛
۳. تجویز اقتباس از عناصر مدرنیته غربی؛
۴. اعتقاد به بازنگری دائمی در اندیشه‌های دینی با توجه به گفت‌وگوهای مدرن و پرسش‌های جدید.

دسته اخیر با ارجاع به شواهدی عینی از موقعیت‌هایی که دین در بستر مدرن به حیات پرنشاط خویش ادامه داده است، بر احتمال همزیستی و امکان به هم آوری دین و مدرنیته تأکید کرده‌اند. شواهد استناد داده شده از سوی ایشان گرچه متنوعند، مع الوصف در پنج دسته از هم قابل تفکیک هستند:

۱. نظریه ماکس وبر و پیروان او در کشف سازگاری میان نوعی اخلاق دینی و نظام نوین سرمایه‌داری به عنوان بارزترین جلوه مدرنیت؛

۲. وجود نرخ بالای دینداری در برخی از جوامع مدرن؛
۳. ظهور جنبش‌های دینی جدید در دنیای مدرن؛
۴. دینداری برخی رهبران متجدد یا متجدد بودن برخی از رهبران دینی در کشورهای در حال توسعه؛
۵. حضور برخی عناصر مدرن در زندگی فردی و اجتماعی مؤمنان.

البته، شجاعی‌زند (۱۳۸۵) امکان همزیستی دین و مدرنیته را با دلایل و براهین و استنادات به چالش کشیده، در جمع‌بندی نهایی مقاله خود می‌گوید:

(نتیجه تلویحی حاصل از بررسی واکنش‌های اسلامی به مدرنیته، مؤید مدعای اصلی مطلب است که تعارض موجود میان اسلام و مدرنیته در هر صورت جز با تحلیل و تحریف یکی به نفع دیگری مرتفع نمی‌گردد. همراهی و همزیستی مشاهده شده در ساخت‌های دینی با عناصر مدرن از سه صورت خارج نیست: یا مربوط به عدم تمایز درست و دقیق

می‌گردند و تا حدودی می‌توان عرفی شدن دین را با دین‌زدایی نزدیک دانست؛ نوگرایان افراطی نهایتاً به شخصی‌نگری و خصوصی‌نگری در دین دچار شده و با تکیه بر قوانین مدرنیته در تعارض با مبانی دینی قرار خواهند گرفت. چنانکه در تحقیقی که صالحی (۱۳۸۹) انجام داده مشخص شد، که هر چه افراد از نظر دینی نوگراتر هستند، از میزان پایبندی آنها به ابعاد مختلف حجاب (نگاه؛ پوشش؛ کلام و باطنی) کاسته شده است. همچنین، هر چه افراد از نظر دینی نوگراتر هستند، میزان نگرش و عملکرد آنها نسبت به رابطه با جنس مخالف مثبت‌تر بوده، میزان شناخت آنها از عواقب دوستی دختر و پسر نیز کمتر است. نتایج تحقیق وی مدعی است که نوگرایی دینی در جامعه ما خصوصاً در بین جوانان دچار نوعی بدفهمی شده و نیز دارای کج‌کارکرد است؛ چرا که این تحقیق رابطه مثبت بین نوگرایی دینی و آسیب‌های اجتماعی را تأیید نموده است. در اینجا به نظریه‌ای که مبنای مطالعه ما را در خصوص ارتباط بین نوگرایی و دین و سنت شکل داده است، می‌پردازیم.

نظریه امکان همزیستی دین و مدرنیته

جای تردید نیست که میان بسیاری از اصول اسلامی با بسیاری از الگوهای نظری مدرنیته، ناسازگاری وجود دارد؛ البته، به شرط آن که هم‌گرایی‌های اسلامی و هم‌مدرنیسم به اصول خود پافشاری کنند. در حقیقت، اسلام متجدد (مدرن به معنای اصلی کلمه) یک مفهوم «خود متناقض» است. آموزه‌های دینی، ابطال و هتک سنت‌ها را به نحو مطلق، آن‌گونه که مدرنیته می‌پسندد، هرگز روا نمی‌شمارند. انسان آرمانی اسلام، نه از سنت‌ها کینه به دل دارد و نه تعصب بر آنها را صحیح می‌داند. دغدغه چنین انسانی، «حقیقت» است (باقری بروجردی، ۱۳۸۹).

آنچه اندکی به مذاق مدرنیته خوش می‌آید، این است که دعوت به استدلال‌گرایی و خردورزی و تفکر، از مسلمات آموزه‌های اسلامی است. مراجعه به تاریخ، گواهی می‌دهد که حتی نقطه شروع دین اسلام، توأم با شوریدن علیه بسیاری از سنت‌های دیرین و در چالش با آباسالاری (تقلید صرف از

مذکور به نحوی طراحی شده که وضعیت سنت‌گرایان دینی، نوگرایی متوسط و نوگرایان افراطی را مشخص می‌نماید.

روش تحقیق

این پژوهش با روش پیمایش و به صورت مقطعی انجام شده است.

جامعه آماری تحقیق حاضر را کلیه افراد بالاتر از ۱۵ سال و کمتر از ۴۰ سال ساکن در شهر یزد تشکیل داده‌اند؛ بدین ترتیب که گروه سنی ۱۵ تا ۱۹ سال نوجوانان و ۲۰ تا ۳۹ سال نیز جوانان جامعه نمونه ما را تشکیل داده‌اند. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران، برای این مطالعه ۳۸۴ نفر محاسبه شد. برای انتخاب افراد نمونه از شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای استفاده شد.

ابزار اندازه‌گیری: برای جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز از "پرسشنامه محقق ساخته نوگرایی دینی" استفاده گردید.

مقیاس نوگرایی دینی: به منظور سنجش میزان نوگرایی دینی افراد از مقیاس محقق ساخته نوگرایی دینی در پنج بعد (شناخت دین، مناسکی، اعتقادی، پیامدی و بعد عاطفی دین) استفاده شد. همچنین، در تعیین نوع سؤال‌ها نگاهی به بهترین مقیاس دینداری موجود در ایران (مقیاس دینداری خدایاری فرد و همکاران^۱، ۱۳۸۵) شده و از آن بهره گرفته شد.

در مقیاس محقق ساخته نوگرایی دینی پنج بعد دینداری^۲ بر حسب میزان نوگرا یا سنت‌گرا بودن پاسخگو مورد سنجش قرار گرفت. به منظور تعیین میزان اعتبار مقیاس نوگرایی دینی از روش اعتبار محتوا استفاده شد، به این معنا که اعتبار و ارزش مقیاس مورد نظر توسط استاد ناظر و چند تن از اساتید متخصص تأیید شد و اعتبار این مقیاس مورد تأیید واقع شد. برای محاسبه میزان پایایی درونی مقیاس نوگرایی دینی، از روش آلفای کرونباخ استفاده گردید. جدول (۱) نشان می‌دهد

نو شدن به مثابه امری اجتناب‌ناپذیر، از عناصر مدرن است؛ یا ناشی از به تمام نرسیدن پروژه شکل دهی به ساخت‌های دینی است و یا مولود دشواری‌های راه و نا کافی بودن عزم و توانایی کارگزاران برای در انداختن طرحی نو و متفاوت از الگوهای از پیش آماده مدرن است. با این که هیچ یک از سه صورت مذکور، مصون از بازگشت ناخواسته به همان راه و الگویی که در ابتدا از آن اجتناب داشتند، نیست؛ مع الوصف هیچ یک از آنها مدعای این مطلب را درباره عدم امکان همزیستی میان اسلام و مدرنیته جز با عقب‌نشینی یکی به سود دیگری رد نمی‌کند.

این نتیجه حاصل از تحلیل و توجیه مهم‌ترین تجربه‌های عینی از همزیستی دین و مدرنیته و در برخی موارد، اسلام و مدرنیته، الگوهای ارائه شده از سوی برخی از نواندیشان دینی را زیر سؤال می‌برد تا با ارتقای سطح مطالبات و گستره دید «سبک زندگی» در هم آمیزی این دو همچون اسلاف خویش، به راه حل‌های خلاقانه‌تری برای نجات و رهایی بشر بیندیشند.

چارچوب نظری تحقیق

در تحقیق حاضر از مبانی نظری رویکردی که کارکردهای اجتماعی دین را حمایت اجتماعی، مهار اجتماعی، سازگاری، تقویت ارزش‌های اخلاقی و... می‌داند، در تدوین مقیاس‌های نوگرایی دینی بهره گرفته شد. با توجه به رویکرد امکان همزیستی دین و مدرنیته، مقیاس نوگرایی را با بهره‌گیری از عناصر مدرن در مبانی نظری دینی استخراج نمودیم، اما با توجه به مبانی نظری شجاعی‌زند (۱۳۸۵) که امکان همزیستی دین و مدرنیته را به چالش کشیده و معتقد است که همزیستی دین و مدرنیته تنها در صورتی امکان‌پذیر است که یکی به نفع دیگری کنار کشیده شود (نوگرایی در حالت متعادل)؛ به نوعی در نهایت نوگرایی افراطی دینی را با عرفی شدن دین، نزدیک می‌داند، ما نیز از این مبانی نظری استفاده کرده، براساس پنج بعد رویکرد ساختاری دین (نظریه گلاک و استارک) مقیاس نوگرایی دینی را به دست آوردیم. مقیاس

^۱ دکتر محمد خدایاری فرد؛ همکاران: دکتر علی‌نقی فقیهی، دکتر باقر غباری بناب، دکتر محسن شکوهی یکتا، دکتر احمد به پڑوه؛ مشاوران: دکتر خسرو باقری، دکتر غلامعلی افروز، دکتر الهه حجازی؛ ناظر علمی: دکتر مرتضی نصفت
^۲ با بهره‌گیری از پنج بعد (مبانی نظری گلاک و استارک)

مقیاس‌های مقیاس نوگرایی دینی است.

ابعاد مقیاس نوگرایی دینی

که میزان پایایی درونی مقیاس نوگرایی دینی به طور کلی برابر با ۰/۷۹ و برای خرده مقیاس‌های "نوگرایی دینی بعد اعتقادی، بعد مناسکی، بعد شناختی، بعد پیامدی و بعد عاطفی" به ترتیب برابر با ۰/۹۶، ۰/۷۴، ۰/۷۶، ۰/۸۶ و ۰/۹۳ است. این مقادیر در سطح آلفای ۰/۰۵، بیانگر پایایی مطلوب خرده

جدول ۱- مقیاس نوگرایی دینی و شاخص‌های آن

مقیاس	عامل‌ها	تعداد ماده	دامنه نمره	میانگین	انحراف معیار (SD)	درصد واریانس تبیین- مقدار آلفا شده
نوگرایی در بعد اعتقادی دین	نوگرایی در بعد اعتقادی دین	۱۰	۱۰-۵۰	۳/۱۳	۱/۱۲	۰/۹۶
نوگرایی دینی مناسکی دین	نوگرایی در بعد مناسکی دین	۸	۸-۴۰	۲/۸۵	۱/۲۷	۰/۷۴
نوگرایی در بعد شناختی دین	نوگرایی در بعد شناختی دین	۱۲	۱۲-۶۰	۳/۰۶	۱/۱۸	۰/۷۶
نوگرایی در بعد پیامدی دین	نوگرایی در بعد پیامدی دین	۱۰	۱۰-۵۰	۳/۶۲	۱/۰۱	۰/۸۶
نوگرایی در بعد عاطفی دین	نوگرایی در بعد عاطفی دین	۶	۶-۳۰	۴/۰۳	۰/۷۴	۰/۹۳

مجموع ۵۰/۹۹ درصد از کل واریانس را تبیین نمودند.

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

داده‌های به دست آمده از پژوهش با استفاده از برنامه spss مورد پردازش قرار گرفت.

یافته‌های پژوهش

میزان پایایی درونی مقیاس نیز با آزمون آلفای کرونباخ سنجیده شد و نشان داد که مقیاس مورد نظر از اعتبار کافی برخوردار است. همچنین، نتایج نشان داد که مؤلفه شناختی، بیشترین درصد از واریانس (۱۳/۳۵) نوگرایی دینی را تبیین نموده است. مؤلفه اول (بعد اعتقادی) ۱۱/۱۲ درصد، مؤلفه چهارم (بعد پیامدی) ۱۰/۰۲ درصد، مؤلفه دوم (بعد مناسکی) ۹/۲۶ درصد و مؤلفه آخر (بعد اعتقادی) ۷/۲۴ درصد از واریانس سازه‌نوگرایی دینی را تبیین می‌نمایند. این پنج بعد در

جدول ۲- توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب میزان ابعاد مختلف نوگرایی دینی

ابعاد نوگرایی دینی	کم		متوسط		زیاد	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
نوگرایی اعتقادی	۲۲۹	۵۹/۶	۱۳۸	۳۵/۹	۱۶	۴/۲
نوگرایی مناسکی	۱۳۰	۳۳/۹	۲۲۱	۵۷/۶	۳۳	۸/۶
نوگرایی شناختی	۱۹۰	۴۹/۵	۱۶۶	۴۳/۲	۲۶	۶/۸
نوگرایی پیامدی	۲۳۰	۵۹/۹	۱۳۸	۳۵/۹	۱۴	۳/۶
نوگرایی عاطفی	۲۷۰	۷۰/۳	۸۲	۲۱/۴	۳۲	۸/۳

۵۹/۶ درصد از پاسخگویان در زمینه بعد اعتقادی نوگرایی دینی از میزان نوگرایی اندکی برخوردار هستند، ۳۵/۹ درصد نوگرایی متوسط و تنها ۴/۲ درصد از نوگرایی دینی بالایی در خصوص اعتقاد به شخصی بودن دین^۱، نگاه فردی و شخصی افراد نسبت به وقایع و حوادث روزانه، عدم اعتقاد به مشیت الهی و مسؤول بودن انسان در برابر اعمال خود در هر شرایطی^۲، خرافه بودن اعتقاد به فرشتگان (فرشتگان ساخته خیال ما هستند)، تردید در وجود روز قیامت چون با مبانی علمی سازگار نیست و... برخوردارند. همچنین، در خصوص نوگرایی دینی بعد مناسکی ۳۳/۹ درصد نوگرایی کم، ۵۷/۶ درصد نوگرایی متوسط و تنها ۸/۶ درصد از پاسخگویان از میزان نوگرایی دینی بالایی (در خصوص عدم نیاز به خواندن نماز علاوه بر اعتقاد به خدا، حق ابراز نظر در مسائل دینی^۳، فلسفه گرفتن روزه، جایگزین کردن مالیات به جای پرداخت خمس، تأمل و تفکر در آیه‌های قرآن و...) برخوردارند. ۴۹/۵ درصد از پاسخگویان از نظر نوگرایی دینی بعد شناختی میزان نوگرایی کمی دارند؛ ۴۳/۲ درصد میزان نوگرایی متوسط و تنها ۸/۶ درصد از پاسخگویان از میزان نوگرایی بالایی در خصوص (بی اعتقادی به نزول باران توسط دعا، فقط مهم بودن عملکرد انسان و عدم تأثیر دعا، انتقاد در تمامی مسائل دینی، عدم اعتقاد به اعتبار احکام دینی با وجود توسعه یافته‌های علمی، تغییر سنن و مبانی دینی مطابق با نیازهای روز و...) برخوردارند. ۵۹/۹ درصد از افراد از میزان نوگرایی دینی پیامدی اندکی برخوردارند، ۳۵/۹ درصد در حد متوسط و تنها ۳/۶ درصد از پاسخگویان از میزان نوگرایی دینی بالایی در خصوص انکار انجام امر به معروف چرا که انسان مسؤول رفتار خویش است^۴، بی توجهی به حلال و حرام بودن اموال مکسوب با توجیهات اقتصادی و علمی، ترجیح سفر به

مکان‌هایی به جز مکه و کربلا در صورت وجود امکان سفر خارجی، عدم محدودیت برای روابط دختر و پسر با دلایل علمی و تجربی و... برخوردارند. همچنین ۷۰/۳ درصد از پاسخگویان از میزان نوگرایی دینی عاطفی اندکی برخوردارند. ۲۱/۴ در حد متوسط و تنها ۸/۳ درصد از افراد از میزان بالای نوگرایی دینی (در خصوص بی اعتقادی به رفتن به مکان‌های مذهبی برای تسکین مشکلات زندگی، مادیات برای آرامش ما مهمتر از معنویات است، بی اعتقادی به خواندن نماز برای احساس نزدیکتر شدن به خدا، آرامش انسان تنها با کسب موفقیت‌های مادی وی دنیوی حاصل می‌شود و...) برخوردارند. بنابراین، چنانکه نتایج نشان می‌دهد، میزان نوگرایی دینی در هر پنج بعد مقیاس در بین جوانان شهر یزد در حد متوسط رو به پایینی قرار دارد؛ به‌ویژه نتایج جزئی کار نیز نشان داد که تجربه‌گرایی و علم‌گرایی در خصوص مبانی دینی در بین جوانان رواج بیشتری داشته و اموری چون انسان مداری، سکولاریسم، فردگرایی و شخصی‌نگری در مسائل دینی در بین جوانان یزدی از فراوانی اندکی برخوردار است.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، پایین‌ترین نمره میزان نوگرایی دینی متعلق به کسانی است که نمره «۵۰» را کسب کرده‌اند و بالاترین نمره متعلق به کسانی است که نمره «۱۹۷» را کسب نموده‌اند. بنابراین، دامنه توزیع نمرات برابر با ۱۴۷ نمره است. نمره میزان نوگرایی دینی بیشترین افراد برابر با ۹۷ است. نمره میزان نوگرایی دینی نیمی از پاسخگویان مساوی یا کمتر از ۱۰۰/۵ و نیمی دیگر بیش از آن نمره است. متوسط نمره "میزان نوگرایی دینی" نمونه آماری برابر با ۱۰۴/۵۲ است. با توجه به مقدار خطای معیار میانگین توزیع این متغیر که برابر با ۱/۴۷ است، می‌توان متوسط نمره "میزان نوگرایی دینی" ۹۵ درصد از جوانان شهر یزد را مساوی یا بزرگتر از ۱۰۳/۰۵ و کوچکتر یا مساوی ۱۰۵/۹۹ برآورد نمود. مقدار چولگی توزیع نمره‌های "میزان نوگرایی دینی" در حدود ۰/۶۴۴ است که حاکی از عدم قرینگی توزیع آن متغیر است. کشیدگی توزیع این متغیر در حدود ۰/۲۶۳ است که حاکی از

^۱ نمونه‌ای از فردگرایی در مبانی دینی

^۲ نمونه‌ای از تجربه‌گرایی در مبانی دینی

^۳ نمونه‌ای از علم‌گرایی در مبانی دینی

^۴ نمونه‌ای از انسان مداری در مبانی دینی

کوتاه بودن کشیدگی توزیع این متغیر در قیاس با کشیدگی توزیع نرمال این متغیر است.

جدول ۳- توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب نمره نوگرایی دینی کل

متغیر	تعداد	میانگین	خطای معیار	میانگین	نما	انحراف	چولگی	کشیدگی	دامنه	حداقل	حداکثر
						استاندارد			تغیرات		
نوگرایی دینی	۳۸۰	۱۰۴/۵۲	۱/۴۷	۱۰۰/۵	۹۷	۲۸/۷۴	۰/۶۴۴	۰/۲۶۳	۱۴۷	۵۰	۱۹۷

تحلیل رگرسیون گام به گام برای متغیر نوگرایی دینی

جدول ۴- نتایج رگرسیون گام به گام برای پیش‌بینی متغیر نوگرایی دینی

متغیر	B	t	معنی‌داری
میزان دینداری خانواده	-۳/۴۲۲	-۱۹/۲۷۳	۰/۰۰۰ ***
سن	-۰/۵۶۷	-۲/۶۱۰	۰/۰۰۰ ***
وضعیت رفاهی	-۴/۲۳۴	-۲/۹۴۲	۰/۰۰۳ ***
درآمد	۳/۱۱۵	۲/۲۶۱	۰/۰۲۴ *
تحصیلات	۲/۷۹۱	۲/۳۰۳	۰/۰۲۲ *

R²=۰/۵۲۲ Adj/R²= ۰/۵۱۷؛ (F_(۴,۳۷۹) = ۱۰۱/۷۴۱۴) و P = ۰/۰۰۰ ***

*** P < ۰/۰۰۱ ** P < ۰/۰۱ * P < ۰/۰۵

به منظور پیش‌بینی سهم متغیرهای تحقیق در تبیین واریانس نوگرایی دینی، از روش رگرسیون گام به گام استفاده شده است. بدین منظور، متغیرهای اجتماعی جمعیت‌شناختی مؤثر بر میزان نوگرایی دینی (سن، جنس، میزان تحصیلات، نوع اشتغال، میزان درآمد، وضعیت تأهل، نوع مسکن و وضعیت امکانات رفاهی و نیز متغیر میزان دینداری خانواده) به ترتیب در مدل رگرسیونی وارد شدند. «استفاده از متغیرهای زمینه‌ای (نوع مسکن، درآمد، اشتغال و تحصیلات) با این مبنای نظری توجیه می‌شود که بلومر معتقد است که معرفت و آگاهی اجتماعی در محمل تجربه اجتماعی و شرایط اجتماعی- اقتصادی ساخت جامعه تشکیل می‌شود. بورديو طبقه و جایگاه اقتصادی- اجتماعی را تعیین‌کننده منش و عادات اجتماعی افراد می‌داند. به عقیده وی، هر طبقه اجتماعی براساس ترکیبی از سه نوع سرمایه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی تعریف می‌شود (قاسمی و دیگران، ۱۳۸۹)».

همان‌طور که نتایج جدول (۴) نشان می‌دهد، پنج متغیر باقی‌مانده در مدل رگرسیون (متغیر میزان دینداری خانواده، سن، وضعیت رفاهی، درآمد و تحصیلات)، توانسته با مقدار (R²= ۰/۵۱۷، F_(۴,۳۷۹) = ۱۰۱/۷۴۱، p < ۰/۰۰۱) حدود ۵۱/۷٪ از تغییرات متغیر وابسته (نوگرایی دینی) را پیش‌بینی کنند. نتایج آنوای یکرهه نیز نشان می‌دهد که مدل رگرسیونی معنی‌دار است و متغیرهای دینداری خانواده (B= -۳/۴۲۲، p < ۰/۰۰۱)، متغیر سن (B= -۰/۵۶۷، p < ۰/۰۰۱)، متغیر وضعیت رفاهی (B= -۴/۲۳۴، p < ۰/۰۰۱) و متغیر درآمد (B= ۳/۱۱۵، p < ۰/۰۵) و تحصیلات (B= ۲/۳۰۳، p < ۰/۰۵) به ترتیب بیشترین سهم معنی‌داری را در پیش‌بینی این متغیر (نوگرایی دینی) داشته‌اند.

سؤال دوم

رابطه بین متغیر نوگرایی دینی با "متغیر سن؛ تحصیلات؛ میزان درآمد خانواده و میزان امکانات رفاهی خانواده"

جدول ۵- آزمون همبستگی پیرسون بین متغیرهای سن و نوگرایی دینی

N	P	ضریب همبستگی	متغیر وابسته	متغیر مستقل
۳۸۰	**۰/۰۰۹	-۰/۱۳۳	میزان نوگرایی دینی	سن
۳۸۰	**۰/۰۴۶	۰/۰۸۸	میزان نوگرایی دینی	تحصیلات
۳۸۰	۰/۵۱۶	۰/۰۳۳	میزان نوگرایی دینی	میزان درآمد خانواده
۳۸۰	**۰/۰۴۱	۰/۰۷۹	میزان نوگرایی دینی	میزان امکانات رفاهی خانواده

* P<۰/۰۵ ** P<۰/۰۱

به منظور بررسی رابطه بین درآمد خانواده با میزان نوگرایی دینی، از آزمون همبستگی اسپیرمن استفاده شد. نتایج با توجه به مقدار ($r_{380} = 0/033, p > 0/05$) نشان داد هیچ همبستگی معنی داری بین میزان درآمد خانواده پاسخگویان و میزان گرایش به نوگرایی دینی وجود ندارد.

به منظور بررسی رابطه بین امکانات رفاهی خانواده با میزان نوگرایی دینی از آزمون همبستگی اسپیرمن استفاده شد. نتایج با توجه به مقدار ($r_{380} = 0/079, p < 0/05$) نشان داد همبستگی مثبت و معنی داری بین میزان امکانات رفاهی خانواده پاسخگویان و میزان گرایش به نوگرایی دینی وجود دارد. به عبارت دیگر، هرچه بر میزان امکانات رفاهی خانواده افزوده می گردد، بر میزان گرایش جوانان به نوگرایی دینی نیز افزوده می شود.

رابطه بین دو متغیر جنس و نوگرایی دینی

جدول ۶- آزمون تی با نمونه های مستقل بین متغیرهای جنس و میزان نوگرایی دینی

P	T	M(sd)	N	متغیر وابسته	متغیر گروه بندی
**۰/۰۰۹	-۰/۳۸۲	۱۰۳/۹۷ (۳۱/۲۴)	۱۹۳	میزان نوگرایی دینی	مرد
		۱۰۵/۱ (۲۶)	۱۸۷		زن

* p<۰/۰۱

نوگرایی دینی در بین مردان کمتر از زنان است.

رابطه بین دو متغیر نوع اشتغال پاسخگویان و میزان

نوگرایی دینی

به منظور بررسی رابطه بین سن پاسخگویان با میزان گرایش به نوگرایی دینی از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده که نتیجه ذیل حاصل شد: $r_{380} = -0/133, p < 0/01$ نتایج نشان داد که رابطه منفی و معناداری بین دو متغیر سن و نوگرایی دینی وجود دارد. در واقع، هر چه سن پاسخگویان کمتر است و جوانتر هستند، میزان گرایش به نوگرایی دینی در آنها قوی تر است، ولی با افزایش سن از میزان نوگرایی دینی کاسته می شود.

به منظور بررسی رابطه بین تحصیلات پاسخگویان با میزان گرایش به نوگرایی دینی از آزمون همبستگی اسپیرمن استفاده شده. نتایج با توجه به مقدار ($r_{380} = 0/088, p < 0/05$) نشان می دهد هیچ همبستگی مثبت و معنی داری بین میزان تحصیلات پاسخگویان و میزان گرایش به نوگرایی دینی وجود دارد. به عبارت دیگر، با افزایش میزان تحصیلات پاسخگویان، گرایش آنها به نوگرایی دینی نیز افزایش یافته است.

به منظور بررسی رابطه بین متغیرهای جنس و میزان نوگرایی دینی، از آزمون تی با نمونه های مستقل استفاده شد. نتایج با توجه به مقدار ($T_{(378)} = -0/382, p < 0/01$) نشان داد که متغیر جنس در میزان گرایش پاسخگویان به نوگرایی دینی، تفاوت ایجاد کرده است. به عبارت دیگر، میزان

جدول ۷- آزمون تحلیل واریانس بین متغیرهای نوع شغل با میزان نوگرایی دینی

متغیر وابسته	اشتغال	N	M(sd)	F	P
میزان نوگرایی دینی	بیکار	۶۵	۱۱۳/۳۸(۲۶/۰۸)	۳/۸۶۳	۰/۰۰۰***
	کارگر غیرماهر و ماهر	۴۳	۱۰۰/۸۱(۲۷/۸۴)		
	مغازه دار	۲۰	۹۲/۶۵(۲۱/۳۲)		
	کارمند	۶۸	۹۵/۵۸(۲۷/۶۶)		
	مشاغل حرفه ای	۲۰	۱۲۰(۴۸/۲۷)		
	شغل آزاد	۳۹	۱۰۱/۱۷(۲۴/۱۱)		
	خانه دار	۷۰	۱۰۳/۴۱(۲۴/۶)		
	دانشجو و محصل	۵۵	۱۱۰/۵(۲۹/۷۶)		

*** p<۰/۰۰۱

می‌توان گفت که این افراد بیش از سایرین به سنن و مبانی دینی خود پایبند هستند. البته، شایان ذکر است که پس از مشاغل حرفه‌ای، افراد بیکار، دانشجویان و دانش‌آموزان نیز بیشترین میزان گرایش به نوگرایی دینی را دارند و در رده‌های دوم و سوم قرار می‌گیرند.

رابطه بین دو متغیر وضعیت تاهل پاسخگویان و میزان نوگرایی دینی

در بررسی رابطه بین نوع شغل با میزان نوگرایی دینی از آزمون تحلیل واریانس استفاده شد. نتایج با توجه به مقدار $(F_{(7)}) = ۳/۸۶۳, p < ۰/۰۰۱$ نشان می‌دهد نوع شغل در میزان نوگرایی دینی تفاوت ایجاد می‌کند. به عبارت دیگر، نتایج نشان داد که افراد دارای مشاغل حرفه‌ای بیشترین میزان نوگرایی دینی را دارند و از سنت‌های دینی بیش از دیگران فاصله گرفته‌اند، اما در مقابل افراد مشاغل مغازه‌داری و کارمندی کمترین میزان گرایش به نوگرایی دینی را دارند و

جدول ۸- آزمون تحلیل واریانس بین متغیر تاهل و نوگرایی دینی

متغیر گروه‌بندی	متغیر وابسته	n	M(sd)	F	P
متاهل	نوغرایی دینی	۲۳۳	۱۰۲/۱۸(۱/۸۴)	۲/۰۱۶	۰/۱۳۵
مجرد		۱۴۳	۲۹/۴۴(۲/۴۶)		
سایر		۴	۳۱/۴۷(۱۵/۷۳)		

نتایج بیانگر این واقعیت است که جامعه یزد و خانواده‌های یزدی به نوعی در مرحله گذار قرار گرفته، مرحله‌ای که پایه‌ها و مبانی سنتی و دینی دچار نوعی لرزش و تنش شده، برخی از مبانی مدرنیته به‌ویژه در قالب‌هایی چون: (عقل‌گرایی، فردگرایی، علم‌گرایی و...)؛ به‌ویژه در حوزه دینی؛ گرایش به خصوصی‌سازی، دین شخصی و تکثرگرایی بر اندیشه‌های مردم به‌ویژه جوانان تأثیرگذار است. نوگرایی دینی در ظاهر،

در بررسی رابطه بین وضعیت تاهل با میزان نوگرایی دینی از آزمون تحلیل واریانس استفاده شد. نتایج با توجه به مقدار $(F_{(2)}) = ۲/۰۱۶, p > ۰/۰۵$ نشان می‌دهد، متغیر وضعیت تاهل هیچ اختلافی در میزان گرایش پاسخگویان به نوگرایی دینی به وجود نمی‌آورد.

نوگرایی دینی با متغیرهای سن، جنس، میزان امکانات رفاهی خانواده، تحصیلات و نوع اشتغال در ارتباط است. به عبارت دیگر، هرچه افراد جوانتر بوده، دارای تحصیلات بالاتر و از نظر اشتغال در مشاغل رده بالا قرار دارند، و از نظر امکانات دارای رفاه بیشتری هستند، از نظر گرایش به مبانی نوگرایی دینی، مستعد تر بوده، بیشتر در معرض گرایش به شخصی‌گرایی در حوزه دین هستند.

توسلی و مرشدی (۱۳۸۵) در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که پایبندی به اعمال فردی و جمعی در بین دانشجویان ترم‌های بالاتر نسبت به دانشجویان ترم‌های پایین‌تر دانشگاه کمتر است و هم‌گرایش آنها به دین خصوصی، تکثرگرایی در دین و برخورد گزینشی با دین نسبت به دانشجویان ترم‌های پایین‌تر بیشتر است. همچنین، وجود گرایش متعدد دینی در بین دانشجویان در تعدادی از پژوهش‌ها تأیید شده است (رجب‌زاده، ۱۳۷۹؛ علی‌زاده شالدهی، ۱۳۸۰؛ اسماعیلی، ۱۳۷۹). سراج‌زاده (۱۳۸۰) نیز در پژوهش خود بر روی دانشجویان کل کشور نشان داده که میزان دینداری دانشجویان فنی مهندسی ۸ درصد کمتر از دیگر دانشجویان است که این تفاوت را می‌توان تأثیرپذیری بیشتر دانشجویان فنی مهندسی از آگاهی مدرن دانست. این نتیجه با نتایج پژوهش ما همخوانی دارد؛ چرا که در پژوهش ما نیز افراد دارای تحصیلات بالاتر و مشاغل حرفه‌ای گرایش بیشتری از دیگران به نوگرایی دینی داشتند، که دانشجویان فنی حرفه‌ای نیز در زمره مشاغل حرفه‌ای قرار می‌گیرند.

همچنین، طی پژوهشی که شورای فرهنگی عمومی کشور در سال ۱۳۷۹ پیرامون نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی_ فرهنگی جوانان انجام داده، دو عامل تحصیلات و درآمد به عنوان متغیرهای مؤثر بر آگاهی‌ها و نگرش‌های جوانان (به‌ویژه دینداری) شناخته شده‌اند. به طور کلی، در خصوص مبانی و اندیشه‌های دینی که جزئی از فرهنگ و تمدن ما را نیز تشکیل می‌دهد؛ و به‌ویژه با توجه به وضعیتی که جامعه ما در آن قرار گرفته که به جامعه‌ای در حال گذار مشهور است، نیاز

"جدا شدن از مبانی و اصول دینی و ارزش‌های انسانی" در باطن، به دنبال خود معضلات و آسیب‌های اجتماعی را به همراه می‌آورد، آسیب‌هایی که در مطالعه صالحی (۱۳۸۹) به آن اشاره شده است، از جمله این آسیب‌ها کاهش پایبندی به حجاب و افزایش اختلاط روابط دختر و پسر در جامعه است. همچنین، مطالعه وی نشان داد که هر چه میزان دین‌گرایی در خانواده‌ها کمتر شده، گرایش به نوگرایی دینی در جوانان نیز افزایش یافته است.

در خصوص نوگرایی دینی به طور کلی می‌توان نظر داد که در بین جوانان یزدی از نظر دینداری اعتقادی وضعیت مطلوبی وجود دارد، و نوگرایی نیز در حد متوسط (که نوعاً همان سنت‌نگری توأم با علم‌گرایی و عقلانیت دینی است) و در قالب مبانی عقل‌گرایی و علم‌گرایی در حوزه دین و نه شخصی‌نگری، فردگرایی و تجربه‌گرایی محض؛ دیده می‌شود. از نظر مناسکی تا حدودی نوگرایی مشاهده می‌شود و میزان گرایش جوانان به مناسک و مراسم مذهبی در حد متوسط قرار دارد؛ در بعد مناسکی نوگرایی دینی، مبانی مدرنیته نفوذ بیشتری داشته و علاوه بر علم‌گرایی و عقل‌گرایی که از نظرگاه دینی پذیرفته شده است، برخی مبانی مدرنیته، از جمله انسان‌مداری، تجربه‌گرایی و گاه سکولاریسم نیز بر اندیشه‌های دینی جوانان تأثیرگذار است؛ لذا در این خصوص نیاز به برنامه‌ریزی‌هایی در زمینه آگاه‌سازی و تنبیه جوانان بیشتر احساس می‌گردد. از نظر بعد شناختی نیز وضعیت در حد متوسط مشاهده می‌شود برای مثال، تنها ۵۰ درصد از افراد با اطمینان اعلام کرده‌اند که دین از سیاست جدا نیست. از نظر بعد پیامدی نیز وضعیت به همین منوال است برای مثال، ۴۲ درصد از افراد با اطمینان گفته‌اند که اگر فرمان جهاد صادر شود، در آن شرکت می‌کنند. از نظر دینداری عاطفی نیز می‌توان قضاوت نمود که وضعیت این نوع دینداری در بین جوانان در سطح بالایی است و مبانی مدرنیته تأثیر چندانی در این نوع دینداری نداشته است. در خصوص ارتباط نوگرایی دینی با سایر متغیرهای جمعیت‌شناختی نیز نتایج نشان داد که

به تحلیل، بررسی، تعمق و گاهی ارائه راهکار احساس می‌گردد.

کشورهای مختلف با توجه به ساختار سیاسی، مناسبات اجتماعی، پیشینه فرهنگی، موقعیت ژئوپولیتیک خود و میزان قوت یا ضعفی که در مواجهه با مدرنیسم داشته‌اند، واکنش‌های متفاوتی را در مقابل آن داشته‌اند. برخی کشورها کاملاً از پیشینه خود گسسته و الگوی غرب را به عنوان شیوه زندگی خود برگزیده‌اند، برخی بر سنت‌ها و فرهنگ بومی خود پافشاری نموده و بر موازین سنتی و فرهنگی خود استوار مانده‌اند؛ دسته سومی در راه توسعه فرهنگی (زاهد، ۱۳۸۴) هم راه میانه را اتخاذ نموده‌اند که در آن هم دو شیوه قابل دسته‌بندی است: الف) مدرن کردن نهادها و دیگر عوامل سنتی و یا ب) به استخدام عوامل سنتی در آوردن عناصر مدرن. اگر به این دو راه حل آخر نیک بنگریم جوهره هر یک مانند یکی از دو راه حل اول است. به نظر می‌رسد مدرن کردن نهادهای سنتی بالاخره ما را شبیه غربی‌ها خواهد کرد و برعکس، به استخدام در آوردن عناصر مدرن به استقلال فرهنگی و ملی منجر خواهد شد.

وضعیت در حال گذار جامعه ما، وضعیتی است که در همه زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و... درگیر نوعی دوگانگی‌ها شده ایم؛ دوگانگی که در یک سوی آن مبانی سنتی و دینی و در سوی دیگر آن اندیشه‌های مدرنیته با اصول خاص خود قرار دارد. در حالت ایده‌آل این دو اندیشه تا جایی که به مبانی و اصول اصلی خود پایبند باشند، برخی از رویکردهای یکدیگر را می‌پذیرند و جامعه در این وضعیت می‌تواند در حالت مطلوب قرار گیرد. اما همان طور که دورکیم از وضعیت آنومیک صحبت می‌کند، چنانچه جامعه‌ای در حالت گذار از سنت به مدرنیته دچار نوعی بی‌نظمی گردد و از سنت‌ها جدا شده، نتواند مبانی مدرنیته را به گونه‌ای مثبت در زندگی خود اجرا کند، دچار وضعیت آنومیک و ناهنجاری شده و در این شرایط آسیب‌های اجتماعی بی‌شماری خود را نشان خواهند داد.

نوگرایی در حوزه دینی در جامعه ما و به‌ویژه یزد که دارالعباده ایران بوده و هست، از اهمیت دوچندانی برخوردار است. اگر مبانی دینی را با برخی از اصول، از جمله عقل‌گرایی و علم‌گرایی تلفیق کنیم، حالتی ایده‌آل پدید آمده، دچار کج کارکرد و آسیب‌های اجتماعی نیز نخواهیم شد؛ چرا که دین اسلام خود از افراد می‌خواهد که اصول دینی را با تأمل و تعمق بپذیرند و تا اینجا پذیرش مبانی دینی با برخی اصول مدرنیته تناقضی ندارد. اما اگر در حوزه دین دچار نوگرایی افراطی شویم و بخواهیم تمامی اصول مدرنیته را در دین وارد سازیم، قطعاً به عرفی شدن دین دچار خواهیم شد و راه به شخصی‌نگری در دین، تکثرگرایی و دین‌خصوصی خواهیم برد که در این شرایط با توجه به فرهنگ جامعه ما که بر مبانی سنتی دینی بنا شده است، آسیب‌های اجتماعی اجازه بروز خواهند یافت و دچار وضعیتی آنومیک خواهیم شد (برای مثال، پژوهش صالحی (۱۳۸۹) نشان داد که با اینکه نوگرایی یکی از اولین مبانی و اصولش، افزایش تعقل‌گرایی است؛ اما هرچه افراد از نظر دینی خود را نوگراتر می‌دانند، از شناخت آنها نسبت به نتایج و مضرات و آسیب‌های روابط نامتعارف دختر و پسر کاسته شده است.) لذا پیشگیری در همه موارد بهتر از درمان خواهد بود و در این زمینه مطالعاتی ژرفانگر را می‌طلبد تا همه زمینه‌های موضوع بررسی شده و راهکارهایی در جهت تبیین مبانی مدرنیته، اصول آن و ترکیب این مبانی با اندیشه‌های دینی برای افراد جامعه، به‌ویژه در حوزه جوانان ارائه کنیم.

نوگرایی افراطی دینی با چهره دل‌فریب و با مبانی جلداب خود در جامعه ما که پایه و مبانی همه اصول جامعه را ارزش‌های دینی تشکیل داده است، وارد شده و به نوعی می‌توان گفت که در حوزه دینی، نوگرایی دینی دچار نوعی بدفهمی و کج کارکردی شده است. نوگرایی ایده‌آل در دین؛ یعنی اینکه مبانی، اصول و ارزش‌های دینی را با تفکری مدرن و با تکیه بر عقل‌گرایی، تلفیق نماییم و با دید و نگاهی بازتر آن را بپذیریم، اما آنچه در جامعه ما با عنوان نوگرایی دینی

در جوامع مدرن یا در حال گذار به سوی مدرنیته، فردگرایی وصف کنش‌های افراد جامعه محسوب می‌شود. میل به استقلال، برنامه‌ریزی برای آینده فردی و ترسیم آرمان‌های فردی، بخشی از مظاهر حاکمیت روحیه فردگرایی است. تأکید بر حقوق و آزادی‌های فردی، مهمترین مطالبه جوانان است؛ اما باید جوانان را هدایت نمود تا بدانند که فردگرایی چیست و چه کاربردی دارد. باید بدانند که در حوزه مفاهیم دینی تا چه اندازه می‌توانند فردگرا باشند.

در نهایت، باید گفت که جوان امروزی جامعه ما، به نوعی راه خود را گم کرده و همه آسیب‌هایی که متوجه اوست، ناشی از ناآگاهی و غفلت موقتی است که به آن دچار شده است؛ که قطعاً با برنامه‌های آگاهی‌سازی می‌توان وجدان و طینت پاک او را بیدار کرد و به مسیر صحیح هدایت نمود.

منابع

- احمدی، بابک. (۱۳۷۷). *معمای مدرنیته*، تهران: نشر مرکز.
- باقری بروجردی، مهدی. (۱۳۸۹). «سنت و نوگرایی»، نشریه *حدیث زندگی*، مهر و آبان ۱۳۸۲، ش ۱۳، ص ۳۰.
- برگر، پیتر و تامس لاکمن. (۱۳۷۵). *ساخت اجتماعی واقعیت؛ رساله‌ای در جامعه‌شناسی شناخت؛ ترجمه: فریبرز مجیدی*، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- بهنام، جمشید. (۱۳۸۲). *ایرانیان و اندیشه تجدد*، تهران: نشر فروزان.
- تایپا، کلود. (۱۳۷۹). *درآمدی بر روان‌شناسی اجتماعی*، ترجمه: مرتضی کتبی، تهران: نشر نی.
- خدایاری فرد، محمد؛ غباری بناب، باقر؛ شکوهی یکتا، محسن. (۱۳۷۸). *تهیه مقیاس اندازه‌گیری اعتقادات و نگرش مذهبی دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف*، تهران: دانشگاه صنعتی شریف.
- رجب‌زاده، احمد. (۱۳۷۹). *دانشگاه، دین و سیاست*، نشریه بازتاب اندیشه، ش ۳۰، ص ۱۰.
- زاهد زاهدانی، سید سعید. (۱۳۸۴). «در باب توسعه فرهنگی

بخصوص در بین جوانان شایع شده، با دین‌گریزی و شخصی‌گرایی و دین خصوصاً قرین گشته است. شخصی‌گرایی در دین نیز به این معنی است که اصول دینی را مطابق با میل و سلیقه شخصی خود تغییر دهیم... آیا از سنت‌های دینی چیزی باقی می‌ماند؟ در جامعه‌ای مثل یزد نیز جدا شدن از مبانی دینی آسیب‌های اجتماعی بسیاری را به همراه خواهد داشت؛ آسیب‌هایی که به آن اشاره شد، از جمله افزایش روابط دختر و پسر در جامعه که این معضل خود آسیب‌های بی‌شماری را به دنبال خواهد داشت. نتایج نشان داد که هرچه افراد جوانتر بوده و از تحصیلات بالاتر و مشاغل حرفه‌ای‌تر برخوردارند، گرایش آنها به نوگرایی دینی بیشتر است؛ که این مسأله خود جای تأمل دارد و همت مسؤولان و بازنگاری در برنامه‌های دانشگاهی و مدارس را می‌طلبد که این مسأله را در ریشه‌ها بررسی کنیم و سعی در آگاهی‌سازی جوانان داشته باشیم. باید اشاره کرد که گرایش به نوگرایی یکی از پدیده‌های اجتماعی است که تک علتی نبودن و عوامل زیادی بر گرایش افراد نسبت به نوگرایی دینی تأثیرگذار است؛ افزایش ارتباطات و رسانه‌ها؛ تحصیلات؛ سن؛ میزان پابندی خانواده‌ها به مبانی دینی؛ همسالان؛ مدارس و دانشگاه‌ها و... عواملی هستند که بر این امر تأثیرگذارند و متقابلاً نوگرایی دینی افراد نیز بر نهاد خانواده، همسالان و... تأثیرگذار است. اما باید توجه داشت که تغییر در نگرش نسبت به دین که نوگرایی دینی نام دارد؛ تغییراتی است که در وضعیت افراطی گاهی به سمت عرفی شدن دین حرکت می‌کند؛ و این امر باعث می‌شود که میزان اعتقاد فرد به خدا کمتر شود؛ از پابندی وی به باورهای دینی کاسته شده و متعاقباً دچار آسیب‌های اجتماعی گردد. زاهد (۱۳۸۴) در مقاله خود خاطر نشان می‌کند که رفتن به مسیر همانند شدن^۱ با فرهنگ غرب نه تنها ما را به توسعه بومی نمی‌رساند، بلکه به منحل شدن کلیه ارزش‌ها ملی و اخلاقی و دیگر عوامل فرهنگی ما در فرهنگ غرب منجر خواهد شد.

¹ Assimilation

در ایران»، نشریه راهبرد یاس، شماره سوم، ص ۸۱-۹۲.

سراج‌زاده، حسین. (۱۳۷۵). نگرش‌ها و رفتارهای دینی نوجوانان تهرانی و دلالت‌های آن برای نظریه سکولار شدن، تهران: دانشگاه تربیت معلم.

سروش، عبدالکریم. (۱۳۸۵). «اسلام هویت تا سیاست عرفی (گفتگو)»، روزنامه شرق، ش ۸۳۵.

شجاعی‌زند، علیرضا. (۱۳۸۵). «بررسی امکان همزیستی دین و مدرنیته»، نامه علوم اجتماعی، ش ۳۰، ص ۳۴-۴۲.

صالحی، عصمت. (۱۳۸۹). بررسی رابطه بین نوگرایی دینی و آسیب‌های اجتماعی، زیر نظر دفتر تحقیقات کاربردی نیروی انتظامی یزد.

طباطبایی (علامه)، سید محمد حسین. (۱۳۷۰). مجموعه رسائل، ترجمه: سید هادی خسروشاهی تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

علیزاده شالدهی، اسماعیل. (۱۳۸۰). رویکرد دینی و فرهنگ سیاسی دانشجویان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

غفاری، غلامرضا با همکاری عادل ابراهیمی لویه. (۱۳۸۴). جامعه‌شناسی تغییرات اجتماعی، ویرایش اول، چاپ هفتم، تهران: انتشارات لویه.

کینگ، ساموئل. (۱۳۴۹). جامعه‌شناسی، ترجمه: مشفق همدانی، تهران: نشر امیر کبیر.

قاسمی، وحید؛ وحیدا، فریدون؛ ربانی خوراسگانی، رسول و ذاکری، زهرا. (۱۳۸۹). شناخت تأثیر طبقه اجتماعی بر نگرش نسبت به جریان نوگرایی در شهر اصفهان، گروه علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان.

Gorsuch, R.L. (1995) "Religious Aspect of Substance Abuse and Recovery". *Journal of Social Issues*, 15(2): 65-83.

Umberson, D. (1987) "Family Status and Health Behaviors: Social Control as A Dimension of Social Integration". *Journal of Health and Social Behavior*, 28: 306-319.